

تاثیر ساختار مالکیت مدیریت و دانش مالی اعضای هیئت مدیره بر کیفیت حسابداری

دکتر فرزین خوشکار

مدرس گروه حسابداری و مدیریت، موسسه آموزش عالی ناصر خسرو، ساوه، ایران.
f.khoshkar@hnhk.ac.ir

حمید استواری

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی ناصر خسرو، ساوه، ایران. (نویسنده مسئول)
hamid_ostovari64@yahoo.com

احمد ممنون

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی ناصر خسرو، ساوه، ایران.
a.mamnoon68@gmail.com

شماره ۳۲ / پاییز ۱۳۹۹ (جلد چهارم) / صص ۱۶۳-۱۷۹
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره سوم)

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی تاثیر ساختار مالکیت مدیریت و دانش مالی اعضای هیئت مدیره بر کیفیت حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت، یک پژوهش توصیفی با تاکید بر روابط همبستگی است. داده‌های مورد نیاز جهت محاسبه متغیرهای پژوهش، از بانک اطلاعاتی ره آورد نوین استخراج شده است. به منظور نیل به این هدف ۹۶۶ سال - شرکت (۱۳۸ شرکت برای هفت سال) داده‌های جمع آوری شده از گزارشات مالی سالانه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ مورد آزمون قرار گرفته اند. به منظور تخمین این مدل از رگرسیون چند متغیره با استفاده از داده‌های ترکیبی و برای تعیین معنادار بودن مدل رگرسیون و پارامترهای حاصل از تخمین مدل رگرسیون، به ترتیب از آماره های F و t شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که مالکیت مدیریتی و دانش مالی هیئت مدیره اثر مثبت و معناداری بر کیفیت حسابداری دارند.

کلید واژگان: ساختار مالکیت مدیریت، دانش مالی اعضای هیئت مدیره، کیفیت حسابداری.

مقدمه

بورس اوراق بهادار به عنوان مکانی برای شکل دهی جریان تأمین مالی و سرمایه گذاری نقش عمده ای را در افزایش تولید کشور دارا است و از این طریق در راستای پیشرفت کشور از اهمیتی حیاتی برخوردار است. اما مسأله مهم در این زمینه شکل دهی درست این جریان توسط نیروهای موجود در بازار است، که این خود منوط به آن می باشد که پروژه هایی با حداکثر بازده توسط سرمایه گذاران شناسایی گردد. تصمیم گیری برای شناسایی چنین پروژه هایی همواره مستلزم استفاده از اطلاعاتی قابل اتکاء و مربوط به منظور استفاده در مدل های تصمیم گیری می باشد. برای تصمیم گیری سرمایه گذاران بالقوه و بالفعل بازار سرمایه، این اطلاعات تنها زمانی موثر هستند که دارای کیفیت باشند. زمانی که بازارهای سرمایه در ابتدای سال ۲۰۰۰ به اوج خود رسیدند ورشکستگی و رسوائی پاره ای از شرکت ها به تدریج اعتماد سرمایه گذاران را نسبت به مسئولیت گزارش دهی

اطلاعات ضعیف کرد و موضوع اعتماد عمومی به کیفیت اطلاعات گزارش شده مطرح شد (صمدی لرگانی و آزاد، ۱۳۹۱). یکی از مواردی که تأثیرگذار بر کیفیت گزارشگری مالی در شرکتها است، ویژگی های فردی مدیران از جمله توانایی و دانش مالی می باشد که رفتار و نوع تصمیمات آن ها را در سازمان تحت الشعاع قرار می دهد. دانش مالی مدیران عامل، تحصیلات مرتبط با رشته های مالی از جمله حسابداری، مدیریت و اقتصاد می باشد و مدیران عاملی که در این رشته ها تحصیل کرده باشند، دارای توان تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی، آشنایی با استانداردها و سیاست های حسابداری، نظارت بهتر بر افشای اطلاعات مالی بوده و از فرض احتیاط در حسابداری پیروی می نمایند (ماتسونوگا و همکاران، ۲۰۱۳).

در شرکت های سهامی بزرگ که سهام آنها در اختیار افراد متعددی است، به علت تضاد منافع بالقوه بین مالکان و مدیران، اهداف مدیریت سازمان از اهداف سهامداران جداست، در نتیجه سهامداران کنترل ناچیزی بر مدیریت شرکت دارند. در این صورت زمینه ای فراهم می آید تا مدیران رأساً به نحوی عمل نمایند که از نظر آنها بهترین است. هر چه شرکت وسیع تر و تعداد سهامداران بیشتر باشد، قدرت نفوذ و دسترسی به منابع اطلاعاتی شرکت کمتر است. سهامداران به عنوان مالک نیاز دارند از عملکرد نمایندگان خود مطلع باشند تا به مقایسه پرداخته و در زمینه تداوم یا قطع سرمایه گذاری در آن واحد تصمیم گیری کنند. مدیران برای ارائه عملکرد خود، گزارشهای مالی دوره ای ارائه می کنند. سهامداران می توانند با اطلاعاتی که از این طریق در اختیارشان قرار میگیرد به ارزیابی سرمایه گذار بهایشان بپردازند. معیارهایی که در این ارزیابی مورد توجه قرار می گیرد از دید سرمایه گذاران و مدیران حائز اهمیت است. سرمایه گذاران همواره ارزیابی عملکرد شرکتها را به منظور شناسایی فرصتهای مطلوب سرمایه گذاری مدنظر قرار می دهند. آنچه سهامداران را به سرمایه گذاری پس اندازهایشان در فعالیت خاصی سوق میدهد، عملکرد مطلوب آن صنعت است که در نتیجه افزایش ارزش شرکت و در نهایت افزایش ثروت سهامداران را دربر خواهد داشت. مدیران به ساز و کارهایی که از طریق آنها عملکردشان مورد قضاوت قرار می گیرد، توجه دارند. آنها به دنبال اطلاعاتی درباره حساسیت مستقیم پاداش نسبت به عملکرد هستند. وقتی که نظام پاداش نسبت به عملکرد حساس نباشد، این شرکت، مدیران خود را از دست خواهد داد و آنان شرکت را ترک خواهند کرد. بازار نیروی کار مدیریتی نیز فشارهای مستقیم زیادی به شرکت وارد می کند تا مدیران را براساس عملکردشان طبقه بندی کرده و پاداش آنها را تعیین کند. اعمال این فشارها حاصل از این حقیقت انکارناپذیر است که شرکت در حال فعالیت، همواره در بازار رقابتی کار به دنبال مدیران جدید است. مدیران هم این امر را تشخیص می دهند که در بازار کار مدیریتی برای تعیین دستمزد، عملکرد آنها مورد بررسی قرار میگیرد و اینکه مدیران تا چه حدی توانسته اند در افزایش ثروت سهامداران نقش داشته باشند. از طرفی ممکن است مدیریت برای تثبیت هر چه بیشتر شرایط حاضر و نجات خود، در حدی تلاش کند تا آن را به صورت مطلوب حفظ کند (لی، ۲۰۱۴).

از سوی دیگر مالکیت با تمرکز بالا نیز مشکلات خاص خود را به همراه دارد و باعث ایجاد ضعف در ساز و کارهای حاکمیت شرکتی می شود. چنانچه مالکیت فقط در دست افراد خاصی باشد و آنها مطابق با اهداف خود، شرکت را کنترل کنند، آنگاه منافع سهامداران اقلیت و دیگر افراد بیرونی در نظر گرفته نخواهد شد.

جولوگیری از تمرکز مالکیت شدید و در عین حال جایگزینی تمرکز جزئی مالکیت و ارزیابی صحیح عملکرد مدیران توسط مالکان می تواند سبب تقویت ساز و کارهای حاکمیت شرکتی شود. در این صورت سهامداران می توانند مطمئن باشند که مدیران در صورتی که محرک های لازم به آنها داده شود و کنترل شوند، تصمیمات مطلوب و در راستای حداکثر کردن ثروت سهامداران اتخاذ خواهند کرد. امروزه یکی از مهم ترین مسائل شرکت ها، اندازه گیری عملکرد آنهاست. اینکه شرکتها تا چه

اندازه در بالا بردن منافع سهامداران خود کوشیده اند، بانکها و مؤسسه های اعتباری در اعطای تسهیلات به شرکتها چه شاخصهایی را در نظر می گیرند، مالکان شرکتها در پرداخت پاداش به مدیران چه ابعادی را در نظر میگیرند و در نهایت اینکه مراجع دولتی با توجه به الزامات قانونی در ارتباط با شرکتها به چه نکاتی توجه می کنند می توان با روشهای ارزیابی عملکرد شرکتها، به صورتی مناسب پاسخ داد. در این راستا ساز و کارهای حاکمیت شرکتی از اهمیت خاصی برخوردار می شود. این ساز و کارها باید به گونه ای طراحی شود که تا حد امکان مشکل تمامی سهامداران شرکتها بزرگ را برطرف کند. بنابراین هر چه میزان تملک مدیران در شرکت بیشتر باشد می توان انتظار داشت که کیفیت گزارشات و به تبع آن کیفیت حسابرسی بیشتر مورد توجه باشد. (کرامانو^۱، ۲۰۰۵)

حسابرسی با کیفیت بالا قادر به شناخت ارائه نادرست اقلام صورت های مالی مورد رسیدگی بوده و می تواند نسبت به ارائه صحیح آن بر صاحبکار خود تاثیر گذار باشد تا در نتیجه آن، اطلاعات مالی قابل اتکایی گزارش شود. کیفیت حسابرس عبارت است از حسن شهرت و مراقبت حرفه ای حسابرس، که در نتیجه حسن شهرت حسابرس، اعتبار اطلاعات صورت های مالی افزایش یافته و بر اثر نظارت و مراقبت حرفه ای حسابرس، کیفیت اطلاعات صورت های مالی افزایش خواهد یافت (حساس یگانه و آذین فر، ۱۳۸۹).

هیئت مدیره برای نظارت بر مدیریت و مشارکت در تصمیم گیری گیری نیازمند مهارت های متنوع از قبیل حسابداری، اقتصاد، مدیریت مالی و قانون است تا بتواند بر افزایش ارزش شرکت مؤثر باشد. فرض زیربنایی این موضوع آن است که اعضای بدون تجربه در دانش مالی یا حسابداری، توانایی کمتری در کشف مشکلات موجود در گزارش گری مالی دارند. همچنین وجود یک فرد با تجربه مالی می تواند باعث شود دیگر اعضا حساس و هوشیار باشند. زمانی که شرکت ها عملکرد ضعیفی دارند، در ترکیب هیئت مدیره خود، از مدیران مالی استفاده می کند (کاپلن و مینتون، ۱۹۹۴).

هیات مدیره مهم ترین عامل در کنترل و نظارت بر مدیریت شرکت و محافظت از منابع سهام داران قلمداد می شود. نتایج مطالعات و بررسی های انجام شده نشان می دهد که هیات مدیره در ارتقای عملکرد و ارزش شرکت نقش با اهمیتی ایفا می کند. افزایش ارزش شرکت می تواند بر کیفیت حسابرسی تاثیر گذار باشد. از این رو هدف تحقیق حاضر بررسی ارتباط دانش مالی هیئت مدیره و مالکیت مدیریت بر کیفیت حسابرسی است.

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

انتخاب های استراتژیک مدیر به عنوان قدرتمندترین مقام شرکت، براساس برداشت های او که خود تابعی از تجارب و شخصیت او است، می باشد (کراسلند و همبریک، ۲۰۰۷). تئوری رده بالا نشان می دهد که پیش زمینه مدیران اجرایی، گرایشاتشان را در زندگی تعیین می کند و این گرایش می تواند انتخاب های استراتژیک آنها را تشکیل دهد (هیت و ایرلند، ۱۹۸۵). به عنوان مثال، بارکر و مولر (۲۰۰۲؛ ۷۹۹) اثبات کردند که هزینه های تحقیق و توسعه در شرکت هایی که مدیران عامل آن سابقه کاری تحقیق و توسعه دارند، بیشتر است. شرکت های اداره شده توسط مدیران با دانش مالی، از سیاست های مالی برتر (ماتسونگا و همکاران، ۲۰۱۳)، کاهش تحریفات عمده و افزایش سود آوری (کاستودیو و میتزجر، ۲۰۱۴) بهره می برند. بر اساس یافته های پژوهشگران، دانش مالی مدیر موجب کاهش ریسک عملکرد ضعیف شرکت و ریسک عدم موفقیت آن (کاستودیوو و میتزجر، ۲۰۱۴) و در نتیجه کاهش ریسک تجاری صاحبکار می شود و ثانیاً دانش مالی مدیر با ارتقای شفافیت

¹ Karamanou

گزارشگری مالی مرتبط است (ماتسونگا و همکاران، ۲۰۱۳) و این امر موجب کاهش گزارشگری مالی نادرست می شود و کیفیت حسابرسی را افزایش خواهد داد. بنابراین، مدیرانی که تجربه مالی دارند، در مقایسه با همتایانشان که تجربه مالی ندارند، نکات دقیق تری در راهنمایی سود به تحلیل گران ارائه می دهند و احتمال اینکه سودها را دستکاری کنند، کمتر است. علاوه بر این، احتمال اینکه این مدیران نقش افشاء مالی را در کاهش عدم تقارن اطلاعات بین شرکت ها و سرمایه گذاران و کمک به شرکت کنندگان در بازار برای ارزیابی ارزش شرکت درک کنند، بیشتر است (ماتسونگا و یئونگ، ۲۰۰۸). ماتسونگا و همکاران (۲۰۱۳) بیان می کنند، شرکت هایی که توسط مدیرعامل با سابقه مالی اداره می شوند، معمولاً گزارش های محافظه کارانه تری ارائه می دهند و همیشه از فرض احتیاط حسابداری پیروی می کنند که این باعث می گردد آنها را بر ناظرانی برای بهتر شدن شفافیت گزارشگری مالی تبدیل نماید. نتایج جیانگ و همکاران (۲۰۱۳) نشان می دهد که مدیران عامل دارای دانش مالی سود های دقیق تری را نسبت به همتایان خود منتشر کرده و در ارائه گزارشگری مالی با شفافیت بالاتر، مصمم تر هستند. همچنین مبانی نظری دیگری در ارتباط با رابطه دانش مالی مدیران عامل با شفافیت صورت های مالی وجود دارد که خلاف با آنچه در بالا تشریح شد، می باشد. باید گفت، با توجه به اینکه تجربه و تخصص قبلی مدیران تصمیمات شرکت را تحت تاثیر قرار می دهد و از آنجایی که مدیران با دانش مالی، با استاندارد های مالی و تکنیک های مختلف مدیریت سود و همچنین کیفیت افشا بیشتر آشنا هستند، لذا توانایی بیشتری برای دستکاری و مدیریت سود دارند ولی ممکن است انگیزه لازم برای انجام این کار را نداشته باشند (کاشانی پور، ۱۳۹۵).

تمام این مطالعات نشان می دهند که سابقه اجرایی مدیران عامل، تصمیمات و نحوه اداره شرکت را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد و آنها را در حل مشکلات مربوطه در زمینه های اجرایی توانمند تر می کند (کولینان و راش، ۲۰۱۱). مطابق با ادبیات مدیریت راهبردی، مدیران عامل ترجیحات و تمایلات خود را در سازمان پیاده می کنند و به رخدادهایی که همسو با این ترجیحات و تمایلات هستند، توجه بیشتری دارند (شن، ۲۰۰۳). این نظریه نشان می دهد که مدیران عامل با دانش مالی، توجه زیادی به قسمت هایی مانند، حسابداری و حسابرسی داخلی داشته و نظارت دقیقی در انجام این وظایف محوله دارند. این نظارت ممکن است روش های خلاف اصول حسابداری به کار گرفته شده توسط دیگر مدیران را نیز کشف کند. همچنین به نظر می رسد شرکت های دارای مدسزان با دانش و تجربه مالی به علت آشنایی با استاندارد های حسابداری نسبت به سایر شرکت ها، صورت های مالی با کیفیت تری داشته باشند.

مالکیت پراکنده منشأ مهمی از مسائل مطرح در مورد حاکمیت شرکتی است، به همین دلیل ابتدا به پاسخ این پرسش می پردازیم که چه عواملی باعث پراکندگی مالکیت می شوند؟ حداقل سه دلیل برای به وجود آمدن پراکندگی مالکیت مطرح است. اولین و شاید مهم ترین دلیل این است که ثروت سرمایه گذاران انفرادی ممکن است به میزان کمتری به اندازه برخی سرمایه گذارینها بستگی داشته باشد. دوم اینکه حتی اگر یک سهامدار بتواند سهم بزرگی از شرکت را در اختیار بگیرد به دلیل تمایل به تنوع بخشی ریسک، ممکن است سرمایه گذاری کمتری در شرکت انجام دهد. دلیل سوم، نگرانی سرمایه گذاران در مورد نقدینگی است. هرچه تعداد سهام در دست یک سهامدار خاص بیشتر باشد نگرانی او برای نقد کردن آنها در بازار ثانویه بیشتر خواهد بود. مالکیت پراکنده ممکن است باعث شود که منافع تمامی اشخاص پوشش داده نشود (بتچ و همکاران^۱، ۲۰۰۵).

کلاسنس و دیگران در سال ۲۰۰۲، نشان دادند که تمرکز بالای مالکیت افراد داخلی می تواند به تصمیمات مالی و سرمایه گذاری ضعیف منتهی شود. بنابراین به نظر می رسد مالکیت افراد داخلی عامل مهمی است که می تواند تأثیر با اهمیتی بر

¹ Betch et al

تصمیمات مالی شرکت داشته باشد. آنها نشان دادند که ساختار مالکیت بسیاری از شرکتهای آسیای شرقی مانند بسیاری از شرکتهای تایلندی از تمرکز بالایی برخوردار است. بسیاری از این شرکتهای نیز شرکتهایی هستند که کنترل خانوادگی بر آنها اعمال می‌شود. آنها به این نکته اشاره می‌کنند که استفاده از ساختارهای مالکیت هرمی در آسیای شرقی بسیار متداول است. به علاوه گروه مدیریت به همراه اعضای خانواده در رأس مالکیت هرمی عموماً بزرگترین دارنده بلوک سهام هستند. همچنین شواهد پشتیبانی برای این موضوع فراهم آوردند که خانواده‌هایی که مدیریت شرکت در دست آنهاست به جای دادوستد سهام، سهام خود را نگه می‌دارند. آنها نشان دادند که با وجود اینکه تجزیه سهام، تعداد سهام موجود برای سرمایه گذاران خرده فروش یا افراد بیرونی را افزایش میدهد، نسبت بالای سهام نگهداری شده توسط افراد داخلی مانع از اثر مثبت تجزیه سهام بر نقدینگی سهام می‌شود. بنابراین نقدینگی سهام باید بعد از تجزیه سهام برای شرکتهایی که مالکیت افراد داخلی در آنها بالاست، بدون تغییر باقی بماند. سهامی که توسط افراد داخلی و مالکان خانوادگی نگهداری میشود، معمولاً به طور فعال داد و ستد نمی‌شود. اگر درصد سهامی که توسط افراد داخلی نگهداری می‌شود بالا باشد، در پی آن تعداد سهام باقیمانده برای داد و ستد در بازار پایین خواهد ماند. بنابراین افزایش نقدینگی سهام برای سهام‌هایی که تمرکز مالکیت افراد داخلی در آنها بالاست، باید پایین باشد زیرا این گونه سهام‌ها دیگر برای سرمایه گذاران بیرونی جذاب نخواهند بود.

حسابرسی با کیفیت بالا قادر به شناخت ارائه نادرست اقلام صورت‌های مالی مورد رسیدگی بوده و می‌تواند نسبت به ارائه صحیح آن بر صاحبکار خود تاثیر گذار باشد تا در نتیجه آن، اطلاعات مالی قابل اتکایی گزارش شود. کیفیت حسابرس عبارت است از حسن شهرت و مراقبت حرفه‌ای حسابرس، که در نتیجه حسن شهرت حسابرس، اعتبار اطلاعات صورت‌های مالی افزایش یافته و بر اثر نظارت و مراقبت حرفه‌ای حسابرس، کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی افزایش خواهد یافت (حساس یگانه و آذین فر، ۱۳۸۹). یک تعریف متداول از کیفیت حسابرسی به وسیله دی آنجلو (۱۹۸۱) ارائه شده است، او کیفیت حسابرسی را ارزیابی و استنباط بازار از احتمال توانایی حسابرس در کشف تحریف‌های با اهمیت در صورت‌های مالی یا سیستم حسابداری صاحبکار و گزارش تحریف‌های با اهمیت کشف شده، تعریف کرده است.

پیشینه داخلی

فراهانی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی نقش تعدیلی دوره تصدی و تخصص در صنعت حسابرس بر ارتباط توانایی دانش مدیریتی و قیمت گذاری خدمات حسابرسی پرداختند. جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است، که بر اساس شرایط در نظر گرفته برای انتخاب نمونه، ۵۳ شرکت به روش حذف سیستماتیک طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶، انتخاب و اطلاعات آن‌ها جمع‌آوری و با استفاده از رگرسیون چندگانه آزمون گردیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه منفی و معناداری بین توانایی مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی برقرار است؛ اما این ارتباط در شرکت‌هایی که حسابرسان متخصص در صنعت مسئول رسیدگی آن‌ها بوده است این رابطه مثبت و معنادار است. همچنین دوره تصدی حسابرس تاثیر بر ارتباط بین توانایی مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی ندارد.

طاهری و همکاران (۱۳۹۷) طی پژوهشی به بررسی توانایی دانش مالی مدیران عامل و شفافیت گزارشگری مالی پرداختند. ایشان داده‌های ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده مورد بررسی طی دوره زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۵ قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که توانایی مدیران عامل اثر مثبتی بر گزارشگری مالی دارد، اما این تاثیر معنادار نشد. همچنین بین دانش مالی مدیران عامل و

شفافیت گزارشگری مالی ارتباط معناداری مشاهده نگردیده است. در نهایت، نتایج تحقیق نشان داد که توانایی و دانش مالی مدیران عامل بصورت همزمان اثر مثبت و معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی دارند. مهرپرور (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان رابطه ارتباطات سیاسی، هزینه نمایندگی و ساختار مالکیت شرکت با توجه به نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی به این نتیجه رسید که بین ارتباطات سیاسی و ساختار مالکیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، کیفیت حسابرسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی را تعدیل می کند. لاری دشت بیاض و اورادی (۱۳۹۶) در مطالعه خود رابطه بین دوره تصدی و دانش مالی مدیر عامل با حق الزحمه حسابرسی را مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق، جامعه آماری شامل ۱۲۹ شرکت و دوره مطالعه سال های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴ را در بر میگیرد. بر اساس نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش، آنها دریافتند که هرچه تعداد سال های حضور مدیر عامل در شرکت افزایش یابد، حق الزحمه حسابرسی بیشتر می شود. با بررسی فرضیه دوم پژوهش مشاهده شد که شرکت هایی که مدیر عامل آنها از دانش مالی برخوردارند، نسبت به سایر شرکت ها حق الزحمه حسابرسی کمتری پرداخت می کنند. بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل تکمیلی پژوهش نیز مشخص شد اثر همزمان دانش مالی و دوره تصدی مدیر عامل بر حق الزحمه حسابرسی منفی و معنادار است. به این مفهوم که دانش مالی مدیر عامل یکی از عوامل مهم برای حسابرسان در ارزیابی ریسک حسابرسی است.

ملازاده و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان تاثیر دانش مالی مدیر عامل بر روی مدیریت سود به این نتیجه رسیدند که دانش مالی مدیر عامل بر روی مدیریت سود شرکت بر اساس رویدادهای واقعی و اقلام تعهدی اختیاری تاثیری ندارد. از طرف دیگر تفاوت معناداری بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری و مبتنی بر رویدادهای واقعی در شرکت ها با مدیر عامل دارای دانش مالی و سایر شرکت ها وجود ندارد.

ادهمی قره شیران (۱۳۹۵) به تحقیقی با عنوان شناخت رابطه تمرکز مالکیت، کنترل خانوادگی و انتخاب حسابرسان در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی بین سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ پرداخت. نتایج تحقیق وی با استفاده از آزمون رگرسیون خطی داده های ترکیبی نشان داد که رابطه منفی بین تمرکز مالکیت و استفاده از شرکت های با کیفیت بالای حسابرسی وجود دارد. علاوه بر این بین کنترل خانوادگی و تمایل به استفاده از حسابرسی با کیفیت بالا رابطه منفی وجود دارد.

پیشینه خارجی

سرایین (۲۰۱۹) در تحقیق خود با عنوان تاثیر ساختار مالکیت شرکتی و مهارت اعضای هیئت مدیره در مورد کیفیت حسابرسی و محافظه کاری بیان کرد که مالکیت شرکتی و مهارت اعضای هیئت مدیره رابطه مستقیمی با کیفیت حسابرسی دارد. اتردج و همکاران (۲۰۱۸) به این نتیجه رسیدند که مدیران اجرایی دارای تجربه و دانش حسابداری از این تجربه و دانش برای کاهش عدم تقارن اطلاعات در عرضه عمومی اولیه استفاده می کنند که منجر به قیمت گذاری کمتر از حد در زمان عرضه عمومی اولیه می شود. همچنین نتایج نشان داد که مدیران اجرایی با تجربه مبتنی بر حسابداری، با عملکرد بهتر بلند مدت پس از عرضه عمومی اولیه عمل می کنند.

گونوپولوس و فام (۲۰۱۷) در تحقیق خود با عنوان مدیران عامل با دانش مالی و مدیریت سود در زمان عرضه اولیه عمومی بیان کردند که، مدیران عامل با دانش مالی به احتمال کمتر نسبت به مدیران عامل فاقد دانش مالی در زمان عرضه عمومی اولیه درگیر مدیریت سود می شوند.

لی و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه خود نشان دادند که درصد اعضای تیم مدیریت ارشد دارای مدرک کارشناسی ارشد به طور منفی با فعالیت های مدیریت سود واقعی رابطه دارد، در حالی که درصد اعضای تیم مدیریت ارشد دارای گواهی حسابداران رسمی با فعالیت های مدیریت سود واقعی دارای رابطه ای مثبت است. تیم مدیریت ارشد دارای مدرک کارشناسی ارشد باعث افزایش عملکرد شرکت ها شده و در نتیجه انگیزه این مدیران را برای مدیریت سود کاهش می دهد.

جیانگ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی تاثیر تجربه مالی مدیر عامل بر مدیریت سود را در کشور چین مورد بررسی قرار دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که مدیر عامل های دارای دانش مالی، مدیریت سود بر مبنای ارقام واقعی کمتری انجام می دهند. این در حالی است که بین دانش مالی مدیر عامل و مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی اختیاری رابطه ای وجود ندارد.

گل و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و ساختار مالکیت و هزینه نمایندگی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پاکستان پرداختند. نتایج این تحقیق نشان می دهد که مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی بالا سطح هزینه نمایندگی را کاهش می دهد. اندازه هیأت مدیره با هزینه نمایندگی رابطه معنادار مثبتی دارد. استقلال هیأت مدیره رابطه معنادار مثبتی با هزینه نمایندگی دارد. تمایز مدیر عامل از رئیس هیأت مدیره و پاداش بیشتر بر کاهش هزینه نمایندگی تأثیر دارد.

فرضیات تحقیق

تحقیق به روش علمی حول محور یک مسئله یا مشکل صورت می گیرد. قدرت تصور و حدس ذهنی انسان بعنوان یک محقق به او امکان می دهد تا در مورد موضوعات مختلف بیانیشد، حدس بزند، تصویر ذهنی ایجاد کند و راه حل های مختلف پیشنهاد کند. این پیشنهادات فرضیه نام دارد.

فرضیه اول: ساختار مالکیت مدیریت بر کیفیت حسابرسی تاثیر معنادار دارد.

فرضیه دوم: دانش مالی اعضای هیئت مدیره بر کیفیت حسابرسی تاثیر معنادار دارد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت، یک پژوهش توصیفی با تاکید بر روابط همبستگی است، زیرا از یک طرف وضع موجود را بررسی می کند و از طرف دیگر، رابطه بین متغیرهای مختلف را با استفاده از تحلیل رگرسیون، تعیین می نماید. جامعه آماری پژوهش حاضر، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که طی یک دوره زمانی ۷ ساله از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ مورد بررسی قرار گرفت و برای تعیین نمونه آماری، از روش حذف سیستماتیک استفاده شد و شرکت های جامعه آماری که شرایط زیر را دارا باشند به عنوان نمونه آماری انتخاب و مابقی حذف شدند.

۱. سال مالی شرکت منتهی به تاریخ پایان اسفند ماه هر سال باشد و شرکت طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداده باشند.

۲. شرکتهای تحت بررسی جزء شرکتهای سرمایه گذاری، هلدینگ و واسطه گری مالی نباشند.

۳. اطلاعات و داده های آنها در دسترس باشد.

۴. معاملات سهام شرکت به طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از سه ماه در مورد سهام یاد شده اتفاق نیفتاده باشد.

بنابراین تعداد ۱۳۸ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شدند که ۹۶۶ سال شرکت را شامل می شود. در این پژوهش اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه کتابخانه ای، نرم افزار ره آورد نوین و سایت اینترنتی مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار، گردآوری شده است. جمع آوری اطلاعات از تجزیه و تحلیل داده ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی انجام می شود. در بخش آمار توصیفی از شاخص های مرکزی میانگین و میانه و شاخص پراکندگی انحراف معیار استفاده شده است و در بخش آمار استنباطی، از رگرسیون چند متغیره با استفاده از داده های ترکیبی استفاده می شود. برای تعیین معنادار بودن مدل رگرسیون و پارامترهای حاصل از تخمین مدل رگرسیون، به ترتیب از آماره های F و t استفاده می شود. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده ها و استخراج نتایج پژوهش، از نرم افزارهای Excel و Eviews#10 استفاده می گردد.

برای آزمون فرضیه از مدل آماری زیر استفاده شده است:

$$AQ = \beta_0 + \beta_1 \text{MANOWN} it + \beta_2 \text{Expert} it + \beta_3 \text{SIZE} it + \beta_4 \text{ROA} it + \beta_5 \text{LOSS} it + \beta_6 \text{LEV} it + \beta_7 \text{GROWTH} it + \varepsilon it$$

AQ : کیفیت حسابرسی

MANOWN : مالکیت مدیریتی

Expert : دانش مالی اعضای هیئت مدیره

SIZE : اندازه شرکت

ROA : بازده دارایی ها

LOSS : زیان

LEV : اهرم مالی

GROWTH : رشد شرکت

متغیر وابسته

کیفیت حسابرسی (AQ): شرکت هایی که انگیزه بیشتری برای متعهد نشان دادن خود دارند، موسسات بزرگ و مشهورتر را انتخاب می کنند در این جا بزرگی و شهرت موسسه حسابرسی، جانشینی برای کیفیت حسابرسی است. مؤسسه های بزرگ حسابرسی دارای منابع مالی و انسانی بیشتری هستند که این امر می تواند بر صلاحیت حسابرس مؤثر باشد. از طرف دیگر، به دلیل حجم بالای کار و شهرت خود، نگران از دست دادن صاحبکاران خود نیستند از این رو، از استقلال بیشتری نسبت به سایر مؤسسه ها برخوردارند. در این پژوهش برای شرکت هایی که توسط سازمان حسابرسی، بررسی شده اند عدد یک و برای سایر مؤسسات عدد صفر در نظر گرفته شده است (چن و همکاران، ۲۰۱۷).

متغیر مستقل

دانش مالی هیئت مدیره (Expert): برای اندازه گیری دانش مالی مدیران عامل از تعریف عمومی تر که در منشور کمیته حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار آورده شده، استفاده می گردد. در این تعریف افرادی دارای دانش مالی می باشند که مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه ای داخلی یا معتبر بین المللی در امور مالی حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد، سایر رشته های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی را داشته باشند. در این پژوهش حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی در رشته های مالی به عنوان مدیران دارای دانش مالی در نظر گرفته شده اند. بنابراین اگر اعضای هیئت مدیره شرکت حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی در رشته های مالی را داشته باشد عدد ۱ و در غیر این صورت صفر می گیرد.

مالکیت مدیریتی (MANOWN): از طریق تقسیم تعداد سهام تحت تملک مدیران شرکت بر تعداد سهام منتشره شرکت بدست می آید (شووبل، ۲۰۱۸).

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (SIZE): از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت اندازه گیری می شود.

بازده دارایی ها (ROA): از طریق تقسیم سود خالص بر کل دارایی های شرکت اندازه گیری می شود.

زیان (LOSS): یک متغیر ساختگی است در صورتی که شرکت زیان گزارش کرده باشد عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر تعلق می گیرد.

اهرم مالی (LEV): از طریق تقسیم کل بدهی های شرکت بر کل دارایی های شرکت اندازه گیری می شود.

رشد شرکت (GROWTH): از طریق تقسیم تفاوت دارایی های سال جاری و سال قبل بر کل دارایی های سال قبل اندازه گیری می شود.

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

در یک جمع بندی با استفاده مناسب از آمار توصیفی می توان ویژگی های یک دسته از اطلاعات را بیان کرد. پارامترهای مرکزی و پراکندگی به همین منظور به کار می روند. کارکردهای این معیارها این است که می توان خصوصیات اصلی مجموعه ای از داده ها را به صورت یک عدد بیان کنند و بدین ترتیب افزون بر آن که به فهم بهتر نتایج یک آزمون کمک می کنند، مقایسه نتایج آن آزمون را با آزمون ها و مشاهدات دیگر نیز تسهیل می نماید.

جدول (۱): آمار توصیفی

پنل الف: متغیرهای پیوسته						
نام متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	میانها	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
اندازه شرکت	۹۶۶	۱۴.۳۰۶	۱۴.۱۲۸	۱۹.۷۷۴	۱۰.۴۹۳	۱.۴۹۵
بازده دارایی ها	۹۶۶	۰.۱۰۵	۰.۰۸۶	۰.۳۷۲	-۰.۰۸۹	۰.۱۱۹
اهرم مالی	۹۶۶	۰.۵۸۱	۰.۵۹۱	۰.۹۷۸	۰.۱۱۳	۰.۲۲۷

۰.۲۳۷	-۰.۱۲۱	۰.۷۸۸	۰.۱۴۵	۰.۱۹۵	۹۶۶	رشد شرکت
۰.۰۶۳	۰	۰.۲۸۰	۰.۱۸۰	۰.۱۷۶	۹۶۶	مالکیت مدیریتی
پنل ب: متغیرهای گسسته						
درصد	فراوانی	طبقه		نام متغیر		
۲۹	۲۸۰	۱		دانش مالی اعضای هیئت مدیره		
۷۱	۶۸۶	۰				
۱۲.۷	۱۲۳	۱		زیان		
۸۷.۳	۸۴۳	۰				
۴۳.۶	۴۲۱	۱		کیفیت حسابرسی		
۵۶.۴	۵۴۵	۰				

در جدول (۱) برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها، شامل میانگین، میانه، حداقل مشاهدات، حداکثر مشاهدات و انحراف معیار ارائه شده است. به عنوان مثال با توجه به پنل الف نتایج نشان می دهد که، میانگین رشد شرکت ۰.۱۹۵ می باشد که با توجه به انحراف معیار (۰.۲۳۷) از نوسان پذیری بالایی برخوردار است و میانگین اهرم مالی ۰.۵۸۱ می باشد که نشان دهنده این است که تقریباً ۵۸.۱ درصد منابع مالی شرکت ها از طریق بدهی تأمین مالی شده است. میانگین بازده دارایی ها ۰.۱۰۵ می باشد که با توجه به انحراف معیار (۰.۱۱۹) از نوسان پذیری نسبتاً بالایی برخوردار می باشد. با توجه به پنل ب نتایج نشان می دهد که ۱۲.۷ درصد شرکت های مورد بررسی در دوره زمانی پژوهش زیان گزارش کرده اند.

بررسی ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

شدت وابستگی دو متغیر به یکدیگر را همبستگی تعریف می کنیم. بطور کلی ضرایب همبستگی بین ۱- تا ۱ تغییر می کنند و رابطه بین دو متغیر می تواند مثبت یا منفی باشد. ضریب همبستگی یک رابطه متقارن می باشد، هر چه ضریب همبستگی به یک نزدیکتر باشد میزان وابستگی دو متغیر بیشتر است، این وابستگی به معنای رابطه علت و معلولی نیست و ضریب همبستگی حرفی از اینکه کدام علت و کدام معلول است به میان نمی آورد. با انجام آزمون همبستگی به بررسی ارتباط ابتدایی بین متغیرها می پردازیم و با توجه به نتایج می توان گفت بین متغیرها ارتباط وجود دارد و می توان به بررسی دقیق تر این روابط پرداخت.

جدول (۲): ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

AQ	GROWTH	LEV	LOSS	ROA	SIZE	Expert	MANOWN	Correlation
							۰.۴۳	MANOWN
							۱	
						۲.۳۵۵	۰.۲۱۱	Expert

						۱	۰,۰۱	
					۲۰۰,۵۴	۱۴۱,۷۷	۰,۴۵	SIZE
					۱	۰,۲۱	۰,۰۵	
				۰,۲۵	۰,۶۷	۰,۴۱	۰,۱۵۹	ROA
				۱	۰,۰۹	۰,۲۱	۰,۲	
			۰,۰۲	۰,۲۲۹-	۰,۰۱-	۰,۱۳	۰,۰۱۷	LOSS
			۱	۰,۰۳-	۰,۰۱	۰	۰,۰۶	
		۰,۱۴	۰	۰,۱۳-	۰,۴۷-	۰,۰۲۷	۰,۰۲۴	LEV
		۱	-۰,۰۴	۰,۷۲	۰,۰۹	۰,۰۶	۰,۲۳	
	۰,۱۲	۰	۰	۰,۱۲	۰,۲	۰,۶۷	۰,۰۱۵۳	GROWTH
	۱	۰,۰۲-	۰	۰,۶۸	۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۰۵	
۶۴۶,۸۲	۰,۵۸	۰,۲۸-	-۰,۰۱۸	۰,۱۳۲	۰,۲۲۵	۰,۱۹۵	۰,۰۲۵۴	AQ
۱	۰,۰۷	۰,۰۳-	۰	۰,۰۲	۰,۶۸	-۰,۰۶	۰	

با توجه به جدول (۲) نتایج بدست آمده از جدول ضریب همبستگی نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد زبان با کیفیت حسابرسی همبستگی معکوس و معناداری دارند در حالی که رشد شرکت، اندازه شرکت و بازده دارایی ها با کیفیت حسابرسی همبستگی مستقیم و معناداری دارند.

بررسی مانایی متغیرهای پژوهش

یک متغیر، وقتی ماناست که میانگین، واریانس و کواریانس آن در طول زمان ثابت باقی بماند. به طور کلی اگر مبدأ زمانی یک متغیر، تغییر کند و میانگین و واریانس و کواریانس تغییری نکند، در آن صورت متغیر ماناست و در غیر این صورت متغیر، نامانا خواهد بود. متغیرهایی که احتمال حاصل از آزمون آن ها، کمتر از ۵ درصد باشد، فرضیه صفر در مورد آن رد شده و آن متغیر در سطح ماناست. در صورتی که بیشتر از ۵ درصد باشد، نامانا است. نتایج آزمون مانایی در جدول (۳) درج گردیده است. براساس آزمون لوین، لین و چو^۱ چون مقدار احتمال همه متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده است، همه متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی در دوره پژوهش در سطح پایا^۲ بوده اند پایایی بدین معنی است که میانگین و واریانس متغیرهای پژوهش در طول زمان

¹ Levin, Lin & Chu.

² Stationarity

و کواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. همانگونه که در جدول (۳) ملاحظه می‌شود همه متغیرها مانا هستند و نیازی به آزمون هم‌جمعی ۱ وجود ندارد.

جدول (۳): نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

نتایج	لوین، لین و چو		متغیرها
	احتمال	آماره	
مانا	۰,۰۰۰۰	-۶,۰۳۲۷	مالکیت مدیریتی
مانا	۰,۰۰۰۰	-۲۹,۴۱۴۴	دانش مالی اعضای هیئت مدیره
مانا	۰,۰۰۰۰	-۶,۱۳۴۰	اندازه شرکت
مانا	۰,۰۰۰۰	-۱۴,۳۸۵۸	بازده دارایی‌ها
مانا	۰,۰۰۰۰	-۲۰,۲۲۶۸	زیان
مانا	۰,۰۰۰۰	-۱۲,۴۷۹۸	اهرم مالی
مانا	۰,۰۰۰۰	-۲۸,۰۷۳۲	رشد شرکت
مانا	۰,۰۰۰۰	-۱۱,۴۶۴۱	کیفیت حسابرسی

تخمین مدل و تجزیه و تحلیل نتایج

بعد از اینکه مانایی متغیرها مورد بررسی قرار گرفت، حال نوبت آن است که مدل پژوهش برآورد گردد. داده‌های این پژوهش از نوع ترکیبی می‌باشد. اما قبل از تخمین مدل‌ها لازم است که روش تخمین (تلفیقی یا تابلویی) مشخص گردد. برای این منظور از آزمون F لیمر استفاده شده است. برای مشاهداتی که احتمال آزمون آنها بیشتر از ۵٪ باشد یا به عبارتی دیگر آماره آزمون آنها کمتر از آماره جدول باشد، از روش تلفیقی استفاده می‌شود و برای مشاهداتی که احتمال آزمون آنها کمتر از ۵ درصد است، برای تخمین مدل از روش تابلویی استفاده می‌شود. روش تابلویی خود با استفاده از دو مدل اثرات تصادفی و اثرات ثابت می‌تواند انجام گیرد. برای تعیین اینکه از کدام مدل استفاده شود از آزمون هاسمن استفاده گردیده است. مشاهداتی که احتمال آزمون آنها کمتر از ۵ درصد است از مدل اثرات ثابت و مشاهداتی که احتمال آزمون آنها بیشتر از ۵ درصد است از مدل اثرات تصادفی برای تخمین مدل استفاده شده است. همانطور که در جدول (۴) منعکس گردیده، احتمال F لیمر مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد می‌باشد لذا برای تخمین مدل از روش تابلویی استفاده می‌شود. همچنین با توجه به اینکه احتمال آزمون هاسمن مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد می‌باشد لذا از الگوی اثرات ثابت به منظور تخمین مدل‌های پژوهش بهره گرفته می‌شود.

جدول (۴): نتایج حاصل از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

نتیجه	احتمال	آماره	آزمون	مدل پژوهش
روش تابلویی	۰,۰۰۰۰	۵,۳۵۳۴	F لیمر	
الگوی اثرات ثابت	۰,۰۰۰۰	۴۴,۲۰۶۴	هاسمن	

¹ Cointegration test

آزمون ثابت بودن واریانس جزء خطا (باقیمانده ها)

یکی از فروض رگرسیون خطی این است که، تمامی جملات باقیمانده دارای واریانس برابر باشند. در عمل ممکن است این فرض چندان صادق نبوده و به دلایل مختلفی از قبیل: شکل نادرست تابع مدل، وجود نقاط پرت، شکست ساختاری در جامعه آماری و ... شاهد پدیده ناهمسانی واریانس باشیم. در این مطالعه همانطور که ذکر شد به منظور تخمین مدل پژوهش از رگرسیون لوچیت بهره گرفته شده است بنابراین هنگام تخمین مدل، گزینه وایت^۱ نیز انتخاب شده است تا در صورت وجود ناهمسانی واریانس، این مشکل برطرف شود.

آزمون عدم وجود هم خطی بین متغیرهای توضیحی

هم خطی به معنای وجود رابطه شدید بین متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل می باشد. در صورت وجود هم خطی، ضرایب برآوردی الگو دارای خطای معیار بالایی خواهد بود و در نتیجه این مسأله باعث می شود که تعداد متغیرهای معنی دار در معادله کاهش یابد. در این معادله برای بررسی عدم وجود هم خطی از معیار عامل تورم واریانس^۲ (VIF) استفاده شد. وقتی که شاخص تورم واریانس کمتر از ۱۰ باشد، نشان دهنده عدم وجود هم خطی می باشد. با توجه به جدول (۵) نتایج حاصل از این آزمون نشان می دهد. که میزان تورم واریانس متغیرهای مستقل و کنترلی مدل پژوهش در حد مجاز خود قرار داشته و لذا از این بابت مشکلی وجود ندارد.

جدول (۵): نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین متغیرهای توضیحی مدل پژوهش

متغیر	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
مالکیت مدیریتی	۰,۰۰۱۸۸۵	۱,۰۱۲۸۹۴
دانش مالی اعضای هیئت مدیره	۰,۰۰۰۹۴۱	۱,۱۲۱۶۴۰
اندازه شرکت	۰,۰۰۰۸۷۷	۱,۱۳۳۵۳۷
بازده دارایی ها	۰,۰۲۶۸۳۵	۲,۱۸۶۴۶۸
زیان	۰,۰۰۲۱۹۶	۱,۴۱۳۲۵۰
اهرم مالی	۰,۰۰۵۴۲۱	۱,۶۱۰۷۹۳
رشد شرکت	۰,۰۰۳۴۵۹	۱,۱۲۰۰۸۱

آزمون فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: ساختار مالکیت مدیریت بر کیفیت حساسی تأثیر معنادار دارد.

فرضیه دوم: دانش مالی اعضای هیئت مدیره بر کیفیت حساسی تأثیر معنادار دارد.

¹ White

² Variance Inflation Factor (VIF)

جدول (۶): نتایج آزمون فرضیات

AQ = β0 + β1 MANOWN it + β2 Expert it + β3 SIZE it + β4 ROA it + β5 LOSS it + β6 LEV it + β7 GROWTH it + ε it					
متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	C	۰,۰۹۵۶۸۰	۰,۰۴۲۲۲۳	۲,۲۵۴۳۲۲	۰,۰۲۴۴
مالکیت مدیریتی	MANOWN	۰,۳۷۹۳۹۳	۰,۱۷۶۹۹۱	۲,۱۴۳۵۷۲-	۰,۰۳۲۶
دانش مالی اعضای هیئت مدیره	Expert	۱۰,۲۹۳۴۱	۶,۴۵۰۶۴۷	۲,۳۱۲۷۸۱	۰,۰۲۰۹
زیان	LOSS	-۰,۱۷۸۸۵۳	۰,۰۹۲۲۳۳	۱,۹۳۹۱۴۹	۰,۰۵۳۲۱
رشد شرکت	GROWTH	۰,۰۵۲۹۱۹	۰,۰۰۶۱۳۶	۸,۶۲۴۱۶۴	۰,۰۰۰۰
اندازه شرکت	LNTA	۰,۰۰۹۷۰۸	۰,۰۰۴۰۳۰	۲,۴۰۸۸۳۶	۰,۰۱۶۲
اهرم مالی	LEVERAGE	۰,۰۲۸۷۴۶	۰,۰۱۴۰۷۵	۲,۰۴۲۴۴۵	۰,۰۱۴۴
بازده دارایی ها	ROA	۰,۲۹۹۳۰۳	۰,۰۷۱۸۶۸	۴,۱۶۴۶۲۵	۰,۰۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۶۴			
دوربین-واتسون		۱,۹۵۶			
آماره F		۹۲,۹۸۸			
احتمال (آماره F)		۰,۰۰۰۰			

به منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۵) بهره گرفته شده است. مقدار آماره نسبت راست نمایی (LR) در سطح اطمینان ۹۵ درصد بیانگر معناداری کلی مدل پژوهش است. نتایج مربوط نشان می دهد، که تقریباً ۶۴ درصد تغییرات متغیر وابسته (کیفیت حسابرسی) به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می دهد که با توجه به آماره Z در سطح اطمینان ۹۵ درصد اهرم مالی، اندازه شرکت، بازده دارایی و رشد شرکت بر کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری دارند در حالی که زیان، بر کیفیت حسابرسی تأثیر منفی و معناداری دارند.

در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر مالکیت مدیریتی ۰,۳۷۹۳۹۳ بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت مالکیت مدیریتی بر کیفیت حسابرسی می باشد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، با توجه به آماره Z ضریب متغیر مالکیت مدیریتی، در مدل معنادار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرضیه اول را تأیید کرد.

نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر دانش مالی اعضای هیئت مدیره ۱۰,۲۹۳۴ بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت دانش مالی اعضای هیئت مدیره بر کیفیت حسابرسی می باشد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، با توجه به آماره Z ضریب متغیر دانش مالی اعضای هیئت مدیره در مدل معنادار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرضیه دوم را تأیید کرد. این امر به این معنی است دانش مالی اعضای هیئت مدیره بر کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

بحث و نتیجه گیری

براساس فرضیه های پژوهش انتظار می رود که مالکیت مدیریتی و دانش مالی اعضای هیئت مدیره بر کیفیت حسابرسی تأثیر معناداری داشته باشد. با استفاده از آزمون Z معنی داری ضریب برآوردی مالکیت مدیریتی و دانش مالی اعضای هیئت مدیره بر کیفیت حسابرسی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاکی از معنی داری ضریب برآوردی این متغیرها می باشد. نتایج نشان می دهد که مالکیت مدیریتی و دانش مالی اعضای هیئت مدیره بر کیفیت حسابرسی تأثیر مستقیم و معناداری دارد. این

یافته ها با نتایج پژوهش انجام شده توسط اتردج و همکاران (۲۰۱۸) مطابقت دارد. وی به این نتیجه رسید که مدیران اجرایی دارای تجربه و دانش حسابداری از این تجربه و دانش برای کاهش عدم تقارن اطلاعات در عرضه عمومی اولیه استفاده می کنند که منجر به قیمت گذاری کمتر از حد در زمان عرضه عمومی اولیه می شود. همچنین نتایج نشان داد که مدیران اجرایی با تجربه مبتنی بر حسابداری، کیفیت حسابرسی را تحت تاثیر قرار می دهند.

یکی از ویژگی های فردی مدیران دانش مالی است که می تواند رفتار و نوع تصمیمات آن ها را در سازمان تحت الشعاع قرار داده و به موجب آن شفافیت گزارشگری مالی و در نهایت کیفیت حسابرسی را تحت تاثیر قرار دهد. دانش مالی مدیران با ارتقای شفافیت گزارشگری مالی و افزایش کیفیت حسابرسی مرتبط است.

بنابر مطالعات انجام شده دانش مالی مدیران سبب افزایش کیفیت گزارشگری مالی می شود از طرفی گزارشات مالی که از شفافیت و کیفیت بالا برخوردارند، احتمال وجود اشتباه و تحریف در گزارشات کمتر شده و سبب ایجاد اعتماد حسابرسان و کمک به بررسی های دقیقتر آن ها می شود و این سبب افزایش کیفیت حسابرسی می شود. همچنین به نظر می رسد شرکت های دارای مدیران با دانش و تجربه مالی به علت آشنایی با استانداردهای حسابداری نسبت به سایر شرکت ها، صورت های مالی با کیفیت تری داشته باشند. دانش مالی، توانایی مدیران را در مواجهه با موضوعات پیچیده حسابداری افزایش داده و درصد خطاهای ارتكابی، برآورد و قضاوت اشتباه را کاهش می دهد. این توانایی، میزان تقلب و خطاها را کاهش می دهد که نتیجه آن افزایش کیفیت حسابرسی است.

ارتباط بین سهامداران و مدیران مملو از تضاد منافی است که از جدایی مالکیت و کنترل، تفاوت اهداف سهامداران و مدیران و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران ناشی می شود. ساختار مالکیت می تواند به عنوان سازوکارهای حاکمیت شرکتی، به سهامداران در مورد کیفیت صورت های مالی تهیه شده، اطمینان می دهد. اگر مدیر مالک سهام شرکت باشد، چون در سرمایه شرکت سهام هستند لذا در سرمایه گذاری های بعمل آمده دلسوزی لازم را داشته و در اداره شرکت انگیزه بیشتری دارند و در جهت بهره وری شرکت کوشش می کنند چرا که با مشارکت در مالکیت، مدیران در منافع ناشی از افزایش کارایی سهام هستند و در افزایش کیفیت و شفافیت گزارشات مالی تلاش می کنند و این امر منجر به افزایش کیفیت حسابرسی خواهد شد. دقت در تهیه مدارک حسابداری شرکت بیشتر و کیفیت حسابرسی را افزایش می دهد، زیرا تقلب و خطاها کاهش می یابد. بر اساس مطالب ذکر شده، پیشنهاد می شود که شرکت ها جهت بهبود عملکرد اعضای هیئت مدیره خود، از افراد خیره و دارای تجربه و دانش مالی کافی استفاده نمایند. علاوه بر این اگر مدیران نیز سهامدار شرکت باشند در افزایش عملکرد و کارایی شرکت کوشش بیشتری داشته باشند. به منظور انجام پژوهش های آتی در ارتباط با این پژوهش، موضوعات زیر پیشنهاد می شود:

الف- بررسی تاثیر ویژگی های صنعت صاحبکار بر کیفیت حسابرسی

ب- بررسی مالکیت مدیریتی و دانش مالی اعضای هیئت مدیره بر انتخاب موسسه حسابرسی

منابع

✓ ادهمی قره شیران، پریسا، (۱۳۹۵)، شناخت رابطه تمرکز مالکیت، کنترل خانوادگی و انتخاب حسابرس، پایان نامه کارشناسی ارشد پردیس البرز تهران.

- ✓ حساس یگانه، یحیی، آذین فر، کاوه، (۱۳۸۹)، رابطه بین کیفیت حسابداری و اندازه موسسه حسابداری، بررسی های حسابداری و حسابداری، دوره ۱۷، شماره ۶۱ صص ۸۵-۹۸.
- ✓ فراهانی، الهه، کیائی، علی، حاجیهها، زهره، (۱۳۹۸)، بررسی نقش تعدیلی دوره تصدی و تخصص در صنعت حسابداری بر ارتباط توانایی مدیریتی و قیمت گذاری خدمات حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، چهارمین کنفرانس ملی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد با تاکید بر بازاریابی منطقه ای و جهانی.
- ✓ صمدی لرنانی، محمود، آزاد، حامد، (۱۳۹۱)، نقش افشای داوطلبانه و شفافیت در گزارشگری مالی، حسابداری، شماره ۵۸، صص ۱۱۱-۱۱۳.
- ✓ طاهری عابد، رضا، علی نژاد، مهدی، فغانی، خسرو، (۱۳۹۷)، توانایی دانش مالی مدیران و شفافیت گزارشگری مالی، پژوهش دانش حسابداری مالی، دوره ۵، شماره ۲، صص ۸۵-۱۱۰.
- ✓ کاشانی پور، محمد، آذرخوش، حمید، رحمانی، محمد، (۱۳۹۵)، تأثیر توانایی مدیران بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه گذاری در شرکت های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری سلامت، شماره ۴، صص ۶۶-۸۵.
- ✓ لاری دشت بیاض، محمود، اورادی، جواد، (۱۳۹۶)، بررسی رابطه بین دوره تصدی و دانش مالی مدیر عامل با حق الزحمه حسابداری، مجله بررسی های حسابداری و حسابداری، دوره ۲۴، شماره ۱، صص ۸۱-۱۰۲.
- ✓ ملازاده، محمد، لاری دشت بیاض، محمود، ساعی، محمد جواد، (۱۳۹۵)، تأثیر دانش مالی مدیر عامل بر روی مدیریت سود، پژوهش های حسابداری مالی و حسابداری، دوره ۳۰، شماره ۸، صص ۳۷-۶۰.
- ✓ مهرپرور، متینه، (۱۳۹۸)، رابطه ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی شرکت باتوجه به نقش تعدیلی کیفیت حسابداری، <https://civilica.com/doc/1013658>
- ✓ Baatwah, S. R., Salleh, Z., & Ahmad, N. (2005). CEO characteristics and audit report timeliness: do CEO tenure and financial expertise matter?. *Managerial Auditing Journal*, 30(8/9):998-1022.17.
- ✓ Barker III, V. L., & Mueller, G. C. (2002). CEO characteristics and firm R&D spending. *Management Science*, 48(6):782-801.
- ✓ Crossland, C., & Hambrick, D. C. (2007). How national systems differ in their constraints on corporate executives: A study of CEO effects in three countries. *Strategic Management Journal*, 28(8):767-789.21.
- ✓ Cullinan, C. P., & Roush, P. B. (2011). Has the likelihood of appointing a CEO with an accounting/finance background changed in the post-Sarbanes Oxley era?. *Research in Accounting Regulation*, 23(1):71-77.22.
- ✓ Claessens, Sthjn. Djankov, Simeon. (1999). Ownership concentration and Corporate Performance in the Czech Republic. *Journal of Comparative Economics*, Vol (27), pp. 498-513
- ✓ De Angelo, L.E, (1981), Auditor size and auditor quality, *journal of accounting and economics*, Vol. 3, 183-199
- ✓ Ettredge, M., Li, C., Wang, Q., & Xu, Y. (2018). Executive Director Financial Expertise and IPO Performance. Working Paper, University of Kansas.
- ✓ Fama, E. F., & Jensen, M. C. (1983). Separation of Ownership and Control. *Journal of Law and Economics*, 26(2), 301-325

- ✓ Hitt, M. A., & Ireland, R. D. (1985). Corporate distinctive competence, strategy, industry and performance. *Strategic management journal*, 6(3):273-293.34.
- ✓ Golparvar, M., & Javadian, Z. (2012). The relationship between perceived organizational justice and OCBs with consider moderating role of equity sensitivity: Some cultural implications. *International Journal of Psychological Studies*, 4(2), 28- 41.
- ✓ Jiang, F., Zhu, B., & Huang, J. (2013). CEO's financial experience and earnings management. *Journal of Multinational Financial Management*, 23(3):134-145.35.
- ✓ Kreitner, R., & Kinicki, A. (1992). *Organizational behavior*. Boston: Irwin McGraw-Hill.
- ✓ Koyuncu, B., Firfiray, S., Claes, B., & Hamori, M. (2010). CEOs with a functional background in operations: Reviewing their performance and prevalence in the top post. *Human Resource Management*, 49(5):869-88
- ✓ Karabrahimoglu. Y. Zengin, (2013), "Is Corporate Governance a Determinant of Auditor Choice? Evidence from Turkey. ", *Academic Review*. 31 (2), 273-284
- ✓ Lee, C.F. Kuo, N. T., (2014), "Effects of ultimate ownership structure and corporate tax on capital structures: Evidence from Taiwan", *International Review of Economics and Finance* 29 (2014) 409–425.
- ✓ Matsunaga, S. & Yeung, E. (2008). Evidence on the Impact of a CEO's Financial Experience on the Quality of the Firm's Financial Reports and Disclosures. Working Paper, University of Oregon.41.
- ✓ Matsunaga, S. R., Wang, S. & Yeung, P. E. (2013). Does Appointing a Former CFO as CEO Influence a Firm's Accounting Policies?. Working Paper, University of Oregon.
- ✓ Shen, W. (2003). The dynamics of the CEO-board relationship: An evolutionary perspective. *Academy of Management Review*, 28(3), 466-476
- ✓ Sraheen , (2019) " The Influence of Corporate Ownership Structure and Board Members' Skills on the Accounting Conservatism: Evidence from Non-Financial Listed Firms in Amman Stock Exchange ", Vol. 19 No. 1, pp. 1-22